



## اهداف پژوهشی دفاع مقدس

هر پژوهش و تحقیقی دارای اهدافی است، پژوهش دفاعی و پژوهش‌های دفاع مقدس هم قاعداً باید دارای اهدافی باشد. البته هر چه موضوع بزرگ‌تر باشد اهداف هم بزرگ‌تر و گسترده‌تر خواهد بود. دفاع مقدس موضوعی است که دارای اهداف مهمی در جامعه ما می‌تواند داشته باشد. اولین هدف پژوهش دفاع مقدس تاریخ است، ثبت تاریخ و نوشتن تاریخ و تاریخ‌نگاری این حادثه بزرگ. هدف دوم خود جامعه امروز ماست، جامعه امروز ما هم می‌تواند بهره‌مند بشود از حادثه دفاع مقدس، چه در بعد فرهنگ و چه در بعد معنویت، مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، جامعه امروز ما یکی از اهداف پژوهش است. دفاع مقدس چه نیازهایی از جامعه امروز ما را می‌تواند بر طرف کند؟ هدف سوم، دفاع و امنیت است، امروز هم دفاع و امنیت به شدت به آن دستاوردها و آن حادثه نیازمند است. در دل حادثه دفاع مقدس برای امنیت امروز ما پیام‌های مهمی وجود دارد. و چهارمین هدف پژوهش‌های دفاعی تمدن‌سازی است، دفاع مقدس به تمدن‌سازی کشور ما و جامعه ما و مدیران ما و رهبران ما می‌تواند کمک کند. در دفاع مقدس پیام‌ها و معارفی وجود دارد که این چهار هدف را می‌تواند تأمین کند. پیام‌های دفاع مقدس در بعد فرهنگی (۲:۵۳ نامفهوم) و دستاوردهای دانایی‌بخش ابعاد تاریخ تمدن اثرات خودش را بگذارد. پس در حقیقت عرصه پژوهش عرصه خیلی عظیمی است در دفاع مقدس. ما با یک عرصه محدودی مواجه نیستیم. به اندازه تاریخ، به اندازه تمدن، به اندازه جامع‌های که در آن هستیم به امر امنیت و دفاع همه می‌توانند از این حادثه بزرگ از پیام‌هایش از معارفش استفاده کنند و بهره‌مند شوند. اما مشکلی که وجود دارد این است که انتقال پیام و معارف به سادگی خود دوران حادثه نیست، دلیلش این است که ارتباط عینی محققین ما با جنگ قطع شده است باید صرفاً یک ارتباط ذهنی با حوزه دفاع مقدس برقرار شود. قبلاً مردم ایران، نخبگان ایران، پژوهشگران ایران، هم ارتباط عینی با جنگ داشتند هم ارتباط ذهنی با جنگ داشتند و این دو کمک می‌کرد که دستیابی به پیام‌ها و معارف جنگ ساده‌تر و شفاف‌تر و با هزینه و زمان کمتری است. اما امروز این ارتباط عینی قطع شده است. محقق امروز ما بایستی عمده‌تاً بتواند از طریق ذهنی با واقعیت ارتباط برقرار کند و این کار پژوهش را کار سختی کرده است. قبلاً افراد عادی هم می‌توانستند پیام‌های بزرگی را از جنگ دریافت کنند، امروز آدم‌های بزرگ به سختی می‌توانند حتی به پیام‌های ساده دفاع مقدس دسترسی پیدا کنند. اینجاست که پژوهش و متولوژی و روش‌شناسی تحقیق، فوق‌العاده اهمیت پیدا می‌کند، که بتوانیم پیام‌ها و معارف را از دل این حادثه بزرگ بیرون بیاوریم و به تاریخ و جامعه منتقل کنیم. من چند نکات‌های را عرض می‌کنم که شاید این نکات به پژوهشگران ما کمک کند تا بتوانند این حادثه بزرگ را بهتر پژوهش کنند. شاید بشود این نکات را تحت عنوان ویژگی‌های دفاع مقدس هم برشمرد. اولین مسئله این است که فرایند تحولات در ایران همیشه گندوبطنی بوده، به جز دفاع

مقدس که یک فرایند سریع داشته و سپس انقلاب در ایران ۷۰ سال در ایران طول کشیده تا پیروز شده یا توسعه در ایران ۲۰ سال شروع شده همین الان ما نگرانیم که ۵۰ سال دیگر طول نکشد لااقل ۱۵ سال دیگر ما به توسعه برسیم. سند چشم‌اندازی که طراحی شده برای همین است که ما ۵۰ سال دیگر، ۷۰ سال دیگر نخواهیم به توسعه برسیم توسعه را جلوتر بیاوریم یعنی ۱۵ سال دیگر ۱۷ سال دیگر ما به توسعه دسترسی پیدا بکنیم. ولی اگر نتوانیم معادله آن را پیدا بکنیم ۵۰ سال تا ۷۰ سال دیگر توسعه در ایران طول خواهد کشید. دلیلش این است که فرایند تحولات در جامعه ایرانی یک فرایند کند و طولانی مدت است. خود انقلاب اسلامی ۷۰ سال طول کشید. از مشروطه ما شعار آزادی دادهایم ۲۲ بهمن آن را به دست آوریم. استقلال را از ۱۶ آذر یا ۱۵ خرداد شعار استقلال‌خواهی دادیم حداقل ۲۰ سال بعد به این دسترسی پیدا کردیم و در یک کلام ۷۰ سال طول کشیده تا انقلاب اسلامی در ایران تئوری‌اش ساخته شده، مدلش ساخته شده، تمرین‌هایش انجام شده، سعی و خطاهایش صورت گرفته، تجاربش پشت سر گذاشته شده تا این که شده انقلاب اسلامی، ۷۰ سال طول کشید. همین الان در قرن توسعه، انواع مدل‌ها در این ۲۰ سال پشت سر گذاشته شده. سیاست تعدیل اقتصادی پشت سر گذاشته شده، اصلاحات اقتصادی پشت سر گذاشته شده، اقتصاد دولتی پشت سر گذاشته شده، تا بیاید این تئوری اقتصادی ایران شکل بگیرد و آن تحول واقعی اقتصادی در ایران صورت بگیرد که محصولش توسعه‌یافتگی بشود، حداقل بین ۲۰ سال تا ۷۰ سال طول می‌کشد. اما دفاع مقدس با حذف این حادثه و حوادث دیگر ایران صحبت می‌کند. دفاع مقدس حداقل باید ۲۰ سال در این کشور طول می‌کشید ولی ۸ ساله شد. کمتر از این هم می‌شد، یعنی تاریخ‌های ۵ ساله هم برای ما قابل پیش‌بینی بود. باید مطالعه بشود چرا دفاع مقدس در انقلاب استثنا است؟ چرا یک حادثه ۲۰ ساله، ۳۰ ساله، ۸ ساله تمام شد؟ آن سال اول جنگ سال کاملاً طبیعی دفاع مقدس است، حالا درست است ما می‌اندازیم گردن بنی‌صدر یا مثلاً بگوییم که جنگ کلاسیکی شده و این حرف‌ها را می‌زنیم؟ ولی اولین سال جنگ یک حرکت کاملاً طبیعی بود. اگر بر همان شاخص‌ها جنگ می‌خواست ادامه پیدا بکند ۲۰ سال تا ۳۰ سال جنگ طول می‌کشید اگر بر اساس روابط و مناسبات و معیارها و شاخص‌های دفاعی سال اول جنگ، جنگ می‌خواست ادامه پیدا بکند، یا اگر بگوییم روند سال اول جنگ اگر همان روند یا به تعبیر امروزی‌ها آن سناریوهای سال اول جنگ می‌خواست ادامه پیدا بکند جنگ ۲۰ تا ۳۰ سال طول می‌کشید. اما از سال دوم جنگ به این طرف اتفاقاتی به وجود می‌آید، سناریوها و روندهای جدیدی شکل می‌گیرد که یک تاریخ ۲۰ یا ۳۰ ساله را به کمتر از ۸ سال تبدیل می‌کند. این خیلی نکته مهمی است، شاید از دل این مسائل بسیار مهمی برای آینده کشور در بیاید، چرا این طور شده؟ چه عواملی مؤثر بوده؟ چه اتفاقاتی شکل گرفته؟ در استراتژی چه اتفاقی افتاده؟ در تاکتیک‌ها چه اتفاقی افتاده؟ در دکتورین چه اتفاقی افتاده؟ در سازماندهی‌ها چه اتفاقی افتاده؟ این خیلی ساده است، این خیلی ساده‌اندیشی است که ما بگوییم که سال اول جنگ معنویت نبود، سال دوم جنگ معنویت به وجود آمد. این برای کارهای خطاب‌های خوب است، برای تهییج و تشویق خوب است، اما کار پژوهشی نیست. عواملی که یک فرایند طولانی را تسریع کرده این فوق‌العاده مهم است. هم برای تاریخ مهم است، هم برای فرهنگ جامعه مهم است، هم برای دفاع و امنیت مهم

است، هم برای تمدن‌سازی و نظریه دفاعی مهم است که به نظر من از دل خود این ما می‌توانیم مباحث مهمی بیرون بیاوریم.

مسئله دومی که در دفاع مقدس اتفاق افتاده که این هم باز با آن چهار هدف ارتباط پیدا می‌کند، این است که قدرت ملی ایران در جنگ پایه‌ریزی شد، و آن پایه‌های دفاعی که بنا گذاشته شد مثل یک ستونی هم چنان در حال پیشرفت و رشد است به طوری که امروز ایران را به قدرت اول منطقه تبدیل کرده است. یعنی امروز ایران از نظر سیاسی، دفاعی، امنیتی قدرت اول منطقه است نسبت به کشورهای مثل ترکیه، پاکستان، رژیم اشغالگر قدس، ایران الان اول است از نظر زمینی، دریایی، هوایی از نظر امنیتی، از نظر سازمان‌های اطلاعاتی، از نظر موشکی، از نظر سلاح و ساخت تجهیزات نظامی، از نظر سیاست خارجی، یعنی میزان نفوذ ایران در منطقه، بعد از فروپاشی صفویه تا پیروزی انقلاب اسلامی، ایران محصور بین مرزهای خودش بود، اما اولین باری است که ایران از بیرون از مرزها دارد تنفس می‌کند. امروز حضور ایران در خاورمیانه یک حضور بسیار جدی است. امروز نفوذ ایران در منطقه جدی است. هیچ کدام از کشورهای منطقه به‌اندازه ایران نفوذ در منطقه ندارد. رابطه دوستانه‌های که ما با عراق، سوریه، لبنان، افغانستان داریم، هیچ کدام از دیگر کشورهای رقیب ما مثل ترکیه و پاکستان و عربستان که رقبای منطق‌های ما هستند، هیچ کدام از اینها نفوذ سیاسی ما را در منطقه ندارد. جالب است هر جا که ما نفوذ کردیم نفوذ ما دیپلماتیک نبوده، جهادی بوده، یعنی اگر ما امروز با دولت و ملت عراق خوب هستیم از طریق جهاد بوده، اگر ما با لبنان و سوریه خوب هستیم از طریق جهاد بوده، یعنی از طریق همکاری‌های دفاعی بوده، اما از طریق دیپلماتیک عقب است، پیشرفت‌های دیپلماتیکی ایران نسبت به پیشرفت‌های دفاعی و امنیتی‌اش عقب‌تر است. برقراری صلح در منطقه ایران نقش مؤثری داشته. حفظ امنیت منطقه، ایران نقش مؤثری داشته. شاید اول کشوری که در حفظ صلح در منطقه خاورمیانه مؤثر بوده ایران بوده، یا به تعبیر دیگر بگوییم اگر این قدرت امروز ایران نبود شاید در دوران آقای بوش کشورهای بسیار زیادی اشغال می‌شد. جنگ‌افروز خیلی وسیع‌تری در منطقه صورت می‌گرفت. ایران قدرت برتر منطقه است. از طرف دیگر جزو ۱۰ قدرت اول دنیا است. یعنی بعد از آمریکا و روسیه و فرانسه و چین و دو سه کشور دیگر ایران جزو ده کشور اول دفاعی، نظامی، امنیتی، سیاسی است، در حالی که در اقتصاد اینطور نیست، در صنعت و فن‌آوری نیست، در خیلی از چیزهای دیگر ایران در منطقه اول نیست در دنیا هم جزو ده کشور اول نیست، اما در بعد دفاعی، امنیتی، نظامی و سیاسی شده، این پایه‌اش از دفاع مقدس است. در تاریخ ایران، پایه‌ریزی قدرت نوین ایران، از دل دفاع مقدس بیرون می‌آید. این هم یک نکته است. این نکته هم فوق‌العاده مهم است. یعنی جنگ ۲۰ سال پیش تمام شده اما هم چنان در جامعه ایران، تاریخ ایران، فرهنگ ایران، تمدن نوین ایران، هنوز این آثار و برکاتش هست و این آثار را می‌شود بیشتر نمایان کرد، توزیع کرد، تشریح کرد و بین گذشته و امروز و آینده می‌توانیم از این طریق ارتباط برقرار کنیم.

نکته سوم این است که کم موضوعی پیدا می‌شود که برای تمام لایه‌های جامعه پیام داشته باشد، حرفی داشته باشد. دفاع مقدس از این قبیل است و خوبه که در رابطه با پیام‌های دفاع مقدس برای همه لایه‌های جامعه برنامه‌ریزی شود. دفاع مقدس در رابطه با علم و نظریه دارای نقش است. دفاع

مقدس برای قشر نخبگان جامعه دارای پیام است، برای عوام دارای پیام است، برای کارآفرینان دارای پیام است، برای مهندسیین دارای پیام است، هیچ اشکال ندارد که پژوهش‌ها به صورت کاملاً تخصصی دربیاید، مثلاً پزشکی و دفاع مقدس، پل‌سازی و دفاع مقدس، راه و دفاع مقدس، علم و دفاع مقدس، دیپلماسی و دفاع مقدس، سیاست و دفاع مقدس، مسایل اجتماعی و دفاع مقدس یعنی دفاع مقدس برای تمام لایه‌های جامعه دارای پیام است و هر چه پژوهش تخصصی‌تر بشود استفاده از دفاع مقدس بیشتر خواهد شد. به نظر می‌رسد پژوهش دفاع مقدس الان دیگر آن سطح عمومی و کلی خودش را پشت سر گذاشته. حالا دورانی باید شروع شود که دفاع مقدس از این به بعد وارد مسائل فنی و تخصصی زندگی جامعه ما بشود و متخصصین جامعه ما بتوانند بهره‌مندی بیشتری از دفاع مقدس بگیرند. در بُعد خود نظریه و مسائل علمی ما در جنگ توانستیم نظریه دفاعی ایران را شکل بدهیم، به طوری که هر وقت این نظریه دفاعی را برای یک کشور دیگر کاملاً منتقل بکنیم یک تحول اساسی در ساختار دفاعی آنجا به وجود می‌آید که من بارها مثال زدیم نمونه‌اش لبنان است. در لبنان یک نظریه دفاعی جدیدی وارد شده که توانسته از لبنان اولین کشور پیروز بر اسرائیل را در منطقه اعراب شکل دهد. لبنانی‌ها اولین کشور عربی هستند که بر اسرائیلی‌ها پیروز شدند. بعد از ۵۰ سال چندین جنگ بین اعراب و اسرائیل صورت گرفته تنها یک کشور توانسته موفق بشود آن هم لبنان است. علت این که در لبنان یک چنین تحولی صورت گرفته چون یک نظریه دفاعی عمومی غیر از غرب و شرق وارد سرزمین لبنان شده، این نظریه دفاعی خودش آرایش‌ها را مشخص می‌کند، تاکتیک‌ها را مشخص می‌کند، استراتژی‌ها را مشخص می‌کند، ساختارهای دفاعی را شکل می‌دهد، آموزش‌ها را شکل می‌دهد، مسائل فرهنگی درون جبهه را شکل می‌دهد. یک نظریه دفاعی، یک اندیشه دفاعی در حقیقت از ایران منتقل شده وگر نه ایران چه سلاح مهمی به لبنانی‌ها داده؟ اندیشه داده، تفکر داده. این اندیشه و تفکر می‌تواند از طریق پژوهش‌های مختلف تدوین شود، مثلاً ساختار دفاعی نیروهای مسلح ایران در زمان جنگ. هماهنگی‌هایی که بین ارتش و سپاه صورت گرفته، خود این خیلی نکته مهمی است. اختلاف نظر که در همه ابعاد بوده و هست. همین الان در کشورمان حتی در درون خود احزاب اختلاف نظر هست. در درون یک جناح اختلاف نظر هست، مهم نیست که اختلافات بین ارتش و سپاه بوده، مهم این است که چطور این دو تا نهاد این همه با هم هماهنگ بوده‌اند؟ و این هماهنگی چگونه شکل گرفته؟ بین دو تا سازمانی که یک سازمانی که قبل از انقلاب بوده با آموزش خاص، با فرهنگ خاص، با آئین‌نامه‌های خاص، یک سازمانی بعد از انقلاب شکل گرفته، از توده‌های مردمی این دو تا چگونه با هم توانسته‌اند عملیات‌ها را طرح‌ریزی کنند؟ پیام‌های بسیار مهمی در همین پژوهش در مسئله مدیریت در کشور ما وجود داشته باشد. بنابراین نکته مهمی است که دفاع مقدس برای همه لایه‌ها دارای پیام‌هایی است. این پیام‌ها باید به طور تخصصی و فنی رویش کار بشود. گزارش‌های عمومی پژوهش‌ها باید از ارائه گزارش‌های عمومی بیرون بیاید اگر پژوهش صرفاً یک گزارش عمومی باشد، یک موضوع خاص، این شاید از این به بعد تأثیر زیادی نداشته باشد. اما اگر پژوهش‌ها همراه با فعالیت‌های فنی، تخصصی بشود استفاده‌های خیلی زیادتری از دفاع مقدس صورت خواهد گرفت. مثلاً یکی از نکات مهمی که فکر می‌کنم محققین می‌توانند در

تدوین آن به ما کمک کنند یک ترکیب مقدس مفهومی بین اندیشه، ایمان و فناوری و مردمی کردن دفاع است. این چهار عنصر اساس دفاع مقدس ایران را شکل می‌دهد. یعنی سراسر دفاع مقدس را شما می‌بینید از فرماندهان گروهان و گردان گرفته تا تیپ و لشکر و قرارگاه‌ها همه به این عنصر مهم اندیشه توجه داشتند چه نوع طرحی؟ چه نوع ابتکاری؟ چه نوع خلاقیتی؟ بایستی در رابطه با آزادسازی خرمشهر، در رابطه با عبور از مرز، در رابطه با آزادسازی سرزمین‌های اشغالی باید صورت بگیرد؟ چگونه باید از برف عبور کرد؟ چگونه باید از ارتفاعات عبور کرد؟ اندیشه. مسئله دوم، ترکیب اندیشه با ایمان بوده، که اندیشه کفایت نمی‌کرده، از عنصر ایمان استفاده می‌شد. توکل، توسل، شهادت‌طلبی، اعتماد به نصرت الهی، اخوت و برادری، از یک طرف اندیشه، از یک طرف ایمان، هر دوی اینها با فناوری بود. شاید این تقریباً یک مسئله عادی شده بود، هر سلاحی که به دست یک رزمنده می‌افتاد اول فکر می‌کرد که این سلاح را چگونه می‌تواند تغییرش بدهد، انواع سلاح‌ها در جنگ شکل‌هایشان عوض شده بود، توپ شکلش عوض شده بود، کاتیوشای تک لول، کاتیوشای ۵ لول، کاتیوشاهایی که حتی از یک جسم سنگین اینها را برمی‌داشتند سوار یک جاندار می‌کردند این را بردند داخل کوه‌های نزدیک مثلاً کرکوک آنجا شلیک شده، مدت‌ها دشمن دنبال این می‌گشته که کجا نصب شده بوده، در حالی که سوار یک حیوانی بوده آن حیوان هم راه افتاده بعدش یک ۷،۸،۱۰ کیلومتر رفته آن طرف‌تر شلیکش را هم انجام داده. انواع فناوری‌ها که شما فکر می‌کنید، از پل ۳۰ کیلومتری، ۱۰ کیلومتری تا پل‌هایی که در حقیقت داخل رودخانه ارونند که دریا باید گفت به عمق ۱۰، ۱۵ متر و با آن آب‌های چند جریانه و نحوه غلبه یافتن بر این طبیعت، چگونه می‌شود طبیعت را مهار کرد؟ تسخیر کرد این طبیعت را. فناوری می‌آید کنار اندیشه و ایمان می‌نشیند. هر سه اینها آمدند کنار مردمی کردن دفاع قرار گرفته. این ترکیب تقریباً در ایران بی‌سابقه است. یعنی در هیچ جنگی ما چنین چیزی نداریم. در جنگ‌های چریکی، بیشتر از اندیشه مثلاً استفاده کردند. حرف لنین است که «صحنه سرنوشت جنگ در میدان اندیشه تعیین می‌شود». مثلاً انقلابیون این حرف‌ها را می‌زنند. مذهبی‌ها می‌گفتند «سرنوشت جنگ در میدان ایمان تعیین و تکلیف خواهد شد». کلاسیک‌ها می‌گفتند «سرنوشت جنگ در صحنه فناوری تعیین خواهد شد». اما ما می‌گوییم «سرنوشت جنگ در میدان اندیشه، ایمان، فناوری و مردمی کردن دفاع مقدس تعیین خواهد شد». این مسئله فوق‌العاده مهم است. یعنی فرماندهان ما، رزمندگان ما، توجه به این چهار رکن را مهم می‌دانستند و به آن توجه می‌کردند. البته این که حالا پژوهشگر و محقق آیا می‌تواند در هر حادثه‌ای این چهار مسئله را، در هر عملیاتی در هر اتفاقی که در جنگ افتاده، این چهار مسئله را مشخص بکند.

من منظورم چنین بحثی نیست. منظور این است که اگر ما عملیات خیبر را پیگیری می‌کنیم همان مقدار که طراحی عملیات مهم است همان مقدار هم نمازهای شب خیبر هم مهم است، همان مقدار هم طراحی پل‌ها مهم است، همان مقدار هم حضور دفاع مردمی و حضور مردم مهم است. اینها از نظر ما هر کدام ابعادی از یک حادثه هستند. یکی از اینها را شما بگیرید از عملیات فاو یکی از این چهار عنصر را بگیرید به نتیجه نمی‌رسید. اگر ایمان نبود، اندیشه و فناوری بود ما به نتیجه نمی‌رسیدیم. اگر اندیشه نبود، ایمان و مردم بودند به نتیجه نمی‌رسیدیم. شاید بی‌دلیل نیست که در

اکثر آیات شریفه قرآن مجید هیچ وقت ایمان منهای تقوا یا ایمان منهای عمل صالح، قرآن ذکر نمی‌کند. یعنی ایمان همیشه یا با تقوا مرتبط است یا با عمل صالح مرتبط است، آیا عمل صالح بدون اندیشه می‌شود؟ آیا عمل صالح بدون توجه به فناوری می‌شود؟ بنابراین ما در جنگ مجموعه مفهومی مهمی را می‌توانیم رویش دست بگذاریم که در تعیین سرنوشت جنگ خیلی مؤثر بود.

نکته دیگر این بوده که مسائل نظامی‌گری پا به پای مسائل دیپلماسی در جنگ پیش می‌رفت، یعنی در عین حالی که به ادامه جنگ به طور جدی فکر می‌شده به مسائل دیپلماتیک هم فکر می‌شده. هیچ هیئت صلحی نبوده که در ایران آنها را نپذیرند. هیچ تقاضای صلحی نبوده که مورد مطالعه قرار نگرفته باشد. علت این که صلح نمی‌شد کاملاً روشن بود، چون آنها صلح تحمیلی را برای ایران می‌خواستند. حتی از پروژه مک فارلین استفاده شد که ایران بتواند سلاح‌های خودش را جبران بکند یا بتواند یک زلزله‌های را در جبهه دشمن به وجود بیاورد که وقتی آن مسئله را ایران فاش کرد از همان موقع بین صدام و آمریکا شکاف به وجود آمد که در حمله به کویت دیدیم صدام حمله کرد. علت اساسی همان که امام فرمود زلزله‌های در چهره متحد عراق به وجود آمد. بنابراین این طور نبوده که در جبهه ایران فرماندهان، مدیران، دولتمردان سرشان را پایین انداخته باشند الا و بلا از طریق نظامی‌گری بخواهند به نتیجه برسند، بعد دیپلماسی هم بوده به نحوهای بسیار پیچیده‌هاش هم در جنگ وجود داشت. خود این مجموعه‌ها با همدیگر یک زیبایی دیگری به جنگ می‌دهد. یک وضع دیگری را در جنگ ترسیم می‌کند.

نکته آخر این است که جنگ هم دارای آسیب‌هایی بود، همان طور که شما باید به آسیب‌های پژوهش توجه بکنید. خود دفاع مقدس هم آسیب‌ها و نواقصی دارد. در مدیریت اشکالاتی وجود داشت، در طراحی و در تاکتیک‌ها نواقصی بوده، اینها هم بایستی کاملاً مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند، البته توسط کارشناسانی که وارد به آن موضوع تخصصی باشند. در دیپلماسی جنگ هم نواقصی وجود داشته این طور نبوده که جنگ هیچ نقصی نداشته و یکی از نواقص پژوهش این است که پژوهشی در رابطه با جنگ صورت بگیرد اما هیچ نقدی نسبت به جنگ در آن نباشد. اگر نقد نباشد ممکن است این پژوهش قابل استفاده نباشد. از آن طرف هم پژوهش‌ها نباید بر اساس جوّ عمومی باشد، چون اصلاً پژوهشگر دنبال پیروی از حقیقت است، نه این که چون دشمنان ملت ایران یک فضا سازی کردند. پژوهشگر هم بخواهد برود در آن جوّ که در تاریخ یا در جامعه است. پژوهش را انجام می‌دهد که آن جو را به اثبات برساند. این که کار مهمی نیست که پیروی کردن از عوام‌گری در پژوهش است. در پژوهش باید ببینیم بر خلاف فضا و جو معمول آیا حقایق وجود دارد که گفته نشده و این حقایق چه اثری می‌تواند داشته باشد. بنابراین آسیب‌شناسی جنگ در خود پژوهش و تحقیق هم فوق‌العاده مهم است. البته ما بایستی به نحوی این آسیب‌ها، نواقص، کمبودها و این اعتقادات را در بیاوریم مطرح بکنیم که دیگرانی که به دنبال این هستند که از حرف حق مدعای بر ادعای باطل خودشان را اثبات کنند اینها نتوانند این کار را بکنند و می‌شود این کار را کرد ما آسیب‌های جنگ را می‌گیریم و از سو استفاده دیگران هم از این آسیب‌ها جلوگیری می‌کنیم این البته هنر می‌خواهد بیش از تحقیق و پژوهش چون پژوهشگر با همان اخلاص حقیقت‌طلبی خودش می‌خواهد وارد ماجرا بشود اما فضای عمومی کشور یا فضای عمومی بین‌الملل به دنبال

سواستفاده از حقیقت برای اثبات ادعاهای باطل خودشان هستند. اینجا پژوهشگر ما بایستی با هنرمندی هم حقیقت را بگوید، هم از سواستفاده دیگران جلوگیری کند. که خیلی مسئله مهمی است که ما چطور حقایق را بگوییم، آسیب‌ها را بگوییم، نقد را بگوییم، پیشنهادات را مطرح بکنیم و از سواستفاده دیگران هم در حقیقت جلوگیری بشود که با نمونه آخر اینجا صحبت‌ها را تمام بکنم. نمونه آخر مسئله پایان جنگ، حقیقتاً ما در پایان جنگ، جنگ را با پیروزی هم نظامی، هم سیاسی و هم اخلاقی به پایان بردیم. اما به دلیل این که این دو هفته آخر جنگ که به اندازه دو سال بوده طی دو هفته سپری شده آن چنان حوادث در هم رفتند که مثل این است که شما یک فیلم دو ساعته را دو دقیقه‌ای نشان دهید. شما اگر یک فیلم دو ساعته را دو دقیقه‌ای نشان دهید واز مخاطب بخواهید که نظرش را بگوید قاعدتاً انفجار مهمی که در آن فیلم صورت گرفته، احتمالاً آن در ذهنش فقط می‌آید، دیگر شاید نتواند به دقت بگوید که کل فیلم چه بوده. این دو هفته آخر جنگ را پژوهشگران اگر ببینند، سرعت فیلم را کند کنند و به جای این که هفته به هفته و ماه به ماه بخواهند جلو بروند، ساعت به ساعت حرکت را انجام بدهند، یک چیزهای بسیار عجیب غریبی در پایان جنگ کشف می‌شود که من مفصل چند ماه پیش آنها را گفتم دیگر اینجا ارائه نمی‌کنم، ولی حاصل آن تحقیق این است که ما جنگ را هم در بُعد نظامی هم در بُعد سیاسی و هم در بُعد اخلاقی و معنوی با پیروزی به پایان بردیم.

اما این بدون یک تحقیق و پژوهشی دقیق و گزارش این مستندات و تحقیقات امکان‌پذیر نیست. یک نمونه‌اش پذیرش خود ۵۹۸ بود. ۵۹۸ در اوج پیروزی‌های ایران صادر شد، هر آدم ساده سیاسی می‌فهمد که وقتی یک قطعنامه‌ای در اوج پیروزی‌های یک طرف نوشته می‌شود این حتماً دارای یک حداقل عناصری به نفع آن طرف پیروز است اصلاً قاعده روابط بین‌الملل این را می‌گوید. همان ۵۹۸ در شرایط بسیار بدی از طرف ایران پذیرفته شد، یعنی شکست‌های پی در پی، در اوج پیروزی‌ها صادر شده ولی در اثر شکست‌های پی در پی پذیرفته شد، اما ماجرا اینجا تمام نشده خیلی‌ها می‌آیند ماجرای جنگ را همین جا به قول کارگردان‌ها کات می‌دهند و می‌گویند دیگر تمام شد، همین جا بایستید. جنگ اینجا تمام نشده که، به محض این که ایران ۵۹۸ را می‌پذیرد، صدام نمی‌پذیرد و از مرزهای ایران شروع می‌کند به ورود به ایران، خرمشهر را می‌گیرد، محاصره می‌کند جاده اهواز - خرمشهر قطع می‌شود، ۴۸ ساعت قطع می‌شود، تا نزدیک کرمانشاه می‌آید، تا نزدیک دهلران و مهران می‌آید، مهران و دهلران را دوباره می‌گیرد، به طور گسترده در ۱۰۰۰ کیلومتر مرز، صدام مثل همان روز اول جنگ پیشروی می‌کند. درست زمانی که ایران ۵۹۸ را پذیرفته که دو سه روز بعد صدام حمله می‌کند. خب چه شد پس ماجرا؟ ایران شروع می‌کند به حمله کردن عملیات سرنوشت را در خرمشهر انجام می‌دهند، عملیات مرصاد را در کرمانشاه انجام می‌دهد. عملیات‌های بدون نام دیگر را در دهلران و مهران انجام می‌دهد همه اینها که تمام می‌شود، بعد از چند روز صدام اعلام می‌کند که من هم ۵۹۸ را قبول دارم. بنابراین ۵۹۸ به صدام تحمیل می‌شود. آن موقع دنبال این بود که بعد از این که ایران ۵۹۸ را نوشته بیاید در خرمشهر بنشیند و در کرمانشاه یک ۵۹۹ بنویسد و در آنجا خواسته‌های خودش را بگوید چرا؟ برای این که هر ۸ بند ۵۹۸ اکثرش به نفع ایران است و امامی که در پذیرش ۵۹۸ می‌گوید جام زهر یک ماه دو ماه بعد

می‌گوید ما حتی یک لحظه هم از این جنگ نادم و پشیمان نیستیم برای این که شأن نزول عوض شده. حادثه مهمی بعد از پذیرش ایران اتفاق می‌افتد، ورق برمی‌گردد، یک انقلاب صورت می‌گیرد مردم به طور گسترده و وسیع می‌روند جبهه‌ها و عملیات‌های پی در پی‌ای انجام می‌دهند به مرز می‌رسند، از امام تقاضا می‌کنند، اجازه بدهید ما وارد بصره بشویم خود امام می‌فرماید دیگر همین جا صبر کنید. ما چون ۵۹۸ را پذیرفتیم ما پذیرفتنمان استراتژی بود، تاکتیکی نبود. اینها همه‌اش واقعیت است، سندش هست، مدرکش هست اما پایان جنگ را آنقدر سیاه کردند که ما نمی‌آییم پایان جنگ را جشن بگیریم، می‌آییم اول حمله دشمن به خودمان را یا تجاوز دشمن به خودمان را جشن می‌گیریم هفته دفاع مقدس، البته خب ما می‌گوییم هفته مقاومت، در آلمان پایان جنگ را جشن می‌گیرند، در روسیه پایان جنگ را جشن می‌گیرند، در فرانسه پایان جنگ را جشن می‌گیرند همه جا پایان جنگ را جشن می‌گیرند. جنگی که ما در بُعد نظامی، سیاسی، اخلاقی و معنوی با موفقیت به پایان بردیم. این بدون تحقیق هیچ است. حالا دو سه سال است مقام معظم رهبری به ستاد کل گفتند که این نکته مهم است این را بنشینید و نتیجه را به من بدهید. بدون کار پژوهشی که نمی‌شود، این کار پژوهشی می‌خواهد که مستند و دقیق گفته بشود که چطور شد که ما در همه ابعاد پیروز شدیم. بله ما به یک اهداف بلندتری مثل سقوط صدام می‌اندیشیم که به آن نرسیدیم، آیا این به معنای عدم پیروزی ایران است؟ چه ربطی دارد؟ ما به اهداف بیشتر از آن چیزی که به دست آوردیم می‌اندیشیدیم بله تلاش هم کردیم. اما نرسیدن ما به آن اهداف بسیار بلندتر از آن اهدافی که به دست آوردیم که به معنای شکست ایران نیست ما عدم پیروزی ایران نیست و چرا ما سقوط صدام را از جنگ ندانیم. با یک خاطره من دیگر عرایضم را تمام می‌کنم. آتش بس داده شده بود ما رفتیم خدمت امام، ایشان نماز ظهر را تمام کرده بودند داشتند مستحبات را می‌خواندند. من کنارشان نشستم، امام فرمود که ما در طول انقلاب بارها می‌خواستیم، یک کاری انجام بدهیم، برنامه‌ریزی هم می‌کردیم، تلاشمان را هم می‌کردیم ولی می‌دیدیم نمی‌شود، اما بعدها خدای متعال از راه دیگری ما را می‌رساند به همان هدفی که قبلاً برایش برنامه‌ریزی کرده بودیم و موفق نشده بودیم. من پیش خودم تجزیه تحلیل کردم که احتمالاً این پیش‌بینی امام مربوط به شکست امریکایی‌هاست و شاید امریکایی‌ها از طریق پاکستان بخواهند به مرزهای شرقی حمله بکنند. آنجا احتمالاً امریکایی‌ها در دریای عمان و سمت شرق آنجا، از ایران شکست بخورند. حتی من رفتم در لشکر ۲۷ رسول گفتم که شما مطمئن باشید نبرد ما با آمریکا است. بعد از این صحبت‌های امام، نبرد ما با آمریکا تمام نشده، در سال‌های آینده ما با امریکایی‌ها نبرد جدی خواهیم داشت. این حرف‌هایی که زدم در لشکر ۲۷ حضرت رسول صحبت‌های امام بود. اما زمانی که امریکایی‌ها به عراق حمله کردند و رفتند صدام را از آن لانه زنبور بیرون کشاندند، آن موقع من به یاد این حرف امام افتادم که می‌فرمود ما بارها می‌خواستیم برای رسیدن به هدفی برنامه‌ریزی کنیم و نمی‌شد و بعداً می‌دیدیم خدای متعال از یک طریقی ما را به آنجا می‌رساند. امام این را برای این فرمودند، چون خدمت امام گفته بودم که بچه‌ها ناراحتند در جبهه‌ها هستند. بعضی‌ها گریه کردند وقتی قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد، امام فرمود: «که شما ناراحت نباشید. خدای متعال از طریقی ما را می‌رساند به هدفمان که شاید اگر می‌خواستیم نمی‌شد». بعد مثال رفتن خودشان به کویت را زدند



که فرمودند من دلم می‌خواست یک کشور اسلامی بروم بعد من را تا مرز کویت بردند خیلی خوشحال بودم، یک مرتبه آمدند به من گفتند که باید شما بروید فرانسه، امام فرمود: «من خیلی ناراحت بودم که من را به یک کشور غربی نفرستند، می‌فرستادند دوست داشتم من را یک کشور مسلمان بفرستند». بعد فرمودند: «اما من امروز - انگار پایان پذیرش ۵۹۸ امام فرمود - اما امروز من می‌فهمم که اگر ما را برده بودند کویت معلوم نبود این انقلاب به ثمر برسد. این خواست خدا بود، این کار خدا بود که این طور شد. ولی ما می‌خواستیم برویم یک کشور اسلامی». به هر حال یک بار دیگر تشکر می‌کنم. از دوستان که راه شهدا، راه امام و رزمندگان اسلام را با قلم و بیان تدوین و ترویج می‌کنند.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

## پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

مقاله: اهداف پژوهشی دفاع مقدس

به همت: سردار سرلشکر پاسدار محسن رضایی

منبع: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس - مرکز اسناد